

۳ (طرب)



سومین فرزند مرحوم محمد رضا قلیخان همای شیرازی که از کمالات پدر بهره مند بوده میرزا ابوالقاسم متخلص به | طرب است که اسمش محمد نصیر و کنیه اش ابوالقاسم بوده و چنانکه در شرح احوال (هم) ذکر شد میرزا طرب فرزند هشتم مرحوم هماست .

مرحوم حاج میرزا محمد مهدی دولت آبادی این مرحوم حاج میرزا هادی دولت آبادی اصفهانی پس آشنائی و ادب پروری در مجموعه که مشتمل بر اشعار

خود و دیگران و نیز مشتمل بر بعضی تواریخ و سوانح عمری ایشان است شرح حالی از طرب نوشته و قطعه تاریخی برای او گفته است .

نظر باینکه این شرح حال بالنسبه از روی بصیرت و مطابق واقع نوشته شده است نگارنده چنین اثر را درج میکند :

هوالمحی الذی لایموت طرب سومین فرزند هنر مند مرحوم همای معروف شاعر مشهور متاخرین است و درسخنکوهی و نصاحت و نکته سنجی و بلاغت بر پدر عالمقدار خود اقتدا کرده بیانات شیرین و اشعار آبدار نمکین دارد ، در جمع و طبع دیوان هما همتی بسزانهوده و مسافرت بدارالخلافة طهران کرد و مساعی جمیله بکار برد تا این امر مهم را انجام داد و مرحوم همارا بواسطه طبع و نشر اشعارش زنده جاوید نمود . با اینکه پدر و برادران مرحوم طرب بدرویشی و وارستگی مایل بودند چنانچه مرحوم (عنقا) و جناب (سها) دوپسر بزرگ مرحوم هما اهل و علاقه نداشته ولی طرب عیال و اولاد زیاد داشت و باین واسطه گرفتار معاش و شب و روز ناخوش بود ناچار بمدح حکام و امرا و اعیان اصراری داشت و چون از مردمان زمانه مساعدت و معاونت نمیدید بغایت میرنجید و بسوء خلق معروف گردید در اواخر عمر بمرض ضیق النفس اولا و بعد باستسقا منجر گشت در اینحال توسل بحضرت ابی عبدالله علیه السلام میجست و بانشاء مصائب اهل بیت میپرداخت و شخصاً در منابر مخصوصه روضه خوانی میرفت و بذکر مصائب و خواندن اشعار و مرثیاتی اهل بیت اقدام مینمود و تغییر حالی حاصل میکرد و در شدت کسالت حالت غالب در حرکت بود و بکمال زحمت و مشقت ایام میگذرانید . در اواخر شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۳۰ روزی برای استعلاج بمطاب جناب میرزا عبدالباقی طیب رفته مشغول صحبت بود بغتة از دارفانی بعالم باقی شنافت . مرحوم طرب مهارتی کامل در انشاء ماده تاریخ داشت و برای اغلب علما و امرا و اعیان عهد خود که

بدرود حیات نموده اند ماده تاریخ گفته و در این طرز سخن درهای معنی سفته است در فوت او هم متعدد ادبا و شعرای زمان ماده تاریخ سروده اند و این بنده ناچیز نظر بالفت و مودتی که با آن مرحوم داشت با بضاعت مزجات اداء حقوق آن مرحوم را بقدر مقدور نموده است

(قطعه)

| | |
|--------------------------------|------------------------------|
| از این جویری که از چرخ کهن رفت | نمیدانم چه بر اهل سخن رفت |
| یگانه گوهر در یسای دانش | طرب پور هما استاد فن رفت |
| یکی گنج هنر در خاک تیره | بس از بردن بسی رنج و محن رفت |
| سخن گوئی ادیبی نکته سنجی | سوی جنت از این بیت الحزن رفت |
| میان مجمعی بنشسته ناگاه | نمیدانم چه شد کز خویشتن رفت |
| نفس بشکست و روحش بال افشان | بشوق قرب حی ذوالمنن رفت |

چو رفت از انجمن گفتم بتاریخ
طرب افسوس کز این انجمن رفت

۱۳۳۰

انتهی کلامه رفع مقامه - و بنده نگارنده روزیکه مرحوم طرب برای استعلاج بمطب میرزا عبدالباقی رفت همراه او بودم و بعد از شنیدن يك کلمه لااله الاالله با آهنگ مهیبی دیگر از او چیزی نشنیدم و همان آخرین نفس حیاتش بود که در آن سرزمین سپرد و ماتدری نفسی بای ارض تموت . آقای حاج میرزا حسن خان حایری انصاری نیز در فوت طرب قطعه تاریخی گفته اند و بواسطه طولانی بودن قطعه فقط بدرج ماده تاریخ قناعت میشود (در این بازی طرب هم از میان رفت) مرحوم طرب در جوانی سالها خدمت آخوند ملامحمد کاشانی حکیم معروف اصفهان تلمذ علوم عربیه و ادبیه کرده و بعد از آن بتکمیل چنین نئون پرداخته و اشعار و قطعات منتخبه عربی و فارسی از قدما و متاخرین

خیلی از برداشت و اغلب مقامات حریری و نهج البلاغه و اطباق الذهب و عبارات دره نادره و ووصاف و چهار مقاله نظامی عروضی و امثال آنها را با شرح و تفسیر مستحضر بود یک مجموعه کشکول مانندی بخط خودش بیادگار باقی است . مرحوم طرب نزد مرحوم میرزا عبدالرحیم افسر خوش نویس خط نستعلیق را مشق کرده و این خط را بسیار خوش و استادانه مینوشت و اغلب اعیان زاد های زمانش از او سرمشق میگرفتند و کتیبه مسجد رکن المآل در تخت فولاد اصفهان و مسجد آخوند ملا محمد حسین کرمانی فاضل معروف اصفهان در جمله گلبهار و بعضی مساجد دیگر در شهر و قطعات برجسته که از او بیادگار باقی است مقام استادی و مهارت نام او را بخوبی حکایت میکند . در عقاید و آداب مذهبی بهیچوجه از ظاهر شرع اسلام تخطی نکرده بود و همان سکوت و آرامش را که بعضی سالکین پس از سالها آواره گی بدست میاورند او از اول ازدست نداده بود نسبت باهل بیت علیهم السلام خاص مخصوصی داشت بای : در آداب و اعمال مذهبی او راجحه از مشرب عرفانی استشمام میشد که آنرا نیز بوراثت از دبستان خانواده خویش آموخته بود . مرحوم طرب برخلاف برادرش (سها) طبعاً مایل بقصیده سرائی بود و حتی المقدور در جمع و ضبط دیوان خودش کوشش میکرد و مجموع اشعاری که بخط خودش نوشته شده است از قصائد و غزلیات و قطعات و مرثیاتی بالغ بر شش هزار بیت میشود و مابقی اشعارش هنوز متفرق است ، ولیکن جمع آوری آنها چندان صعوبتی ندارد و فقط چیزیکه از اشعارش تا کنون بطبع رسیده است بترجیع بنداست که بتقاضای مرحوم ضرغام السلطنه بختیاری (در موقعیکه اصفهانرا فتح کرده و در آنجا حکومت داشت در اوئل مشروطیت) ساخته و مطلعش این است

دردی کش باده الستیم الخ

ماز می عشق دوست مستیم

و بند ترجیم این است

از دوست نشان دوست جستیم دست از همه غیر دوست شستیم
 و نیز دوسه قصیده و قطعه که در آغاز و انجام دیوان مرحوم هما گفته است و نیز
 یکمزل که در حاشیه کتاب طرایق المشابق ثبت است. مرحوم طرب در انقلاب
 مشروطیت طرفدار آزادی شده و قصیدهای غرای هیجان آمیزی در این موضوع
 ساخته و در مجامع عمومی خوانده و از طرف مستبدین دچار مصائب و بلائی شده است
 تولد مرحوم طرب در سال سنه ۱۲۷۵ هجری قمری و فاتش سنه ۱۳۳۰ هجری
 قمری و مدفنش در امامزاده احمد بن علی بن محمد الباقر علیهم السلام در اصفهان
 مقابل قبر مرحوم پدرش همای شیرازی است.

اولاد مرحوم طرب نقط پنج نفر ذکور بوده اند: نخستین میرزا محمد رضا
 تولدش سنه ۱۳۱۰ که در جوانی بساط حیات از این ورطه خطرناک برچید و تا ابد
 دل خانواده اش داغدار نمود.

دوم میرزا عبدالجواد [همائی] تولدش سنه ۱۳۱۲. سوم این بنده کمترین
 میرزا [همائی] متخاص به (سنا) که در غره رمضان المبارک سنه ۱۳۱۸ متولد شده ام
 و اکنون به تحصیل اشتغال دارم. چهارم میرزا ابوالفضل (همائی) که در مدارس
 متوسطه جدید تحصیل خود را پایان رسانیده و موفق باخذ دیپلم نهائی شده است
 سنه ۱۳۲۴ پنجم - میرزا ابراهیم خان (همائی) تولدش سنه ۱۳۲۷

مرحوم طرب بسیاری از شعرای زمان مرحوم سهارا درک کرده و با
 چند نفر از ایشان آشنائی مخصوصی داشته است: دهقان سامانی - محیط قمی -
 میرزا ابوالقاسم ذوقی - مرحوم فرصت الدوله شیرازی در سفر اصفهان مرحوم
 طرب و سهارا در انجمن حقایق ملاقات کرده و در کتاب خودش از آنها اسم
 برده و تجلیل نموده است.

مرحوم طرب بواسطه آلودگی بخانداری کمتر سفرهای طولانی کرده است
 و فقط سفر او منحصر بوده است بطهران و مشهد رضاعلیه السلام - و شیراز.